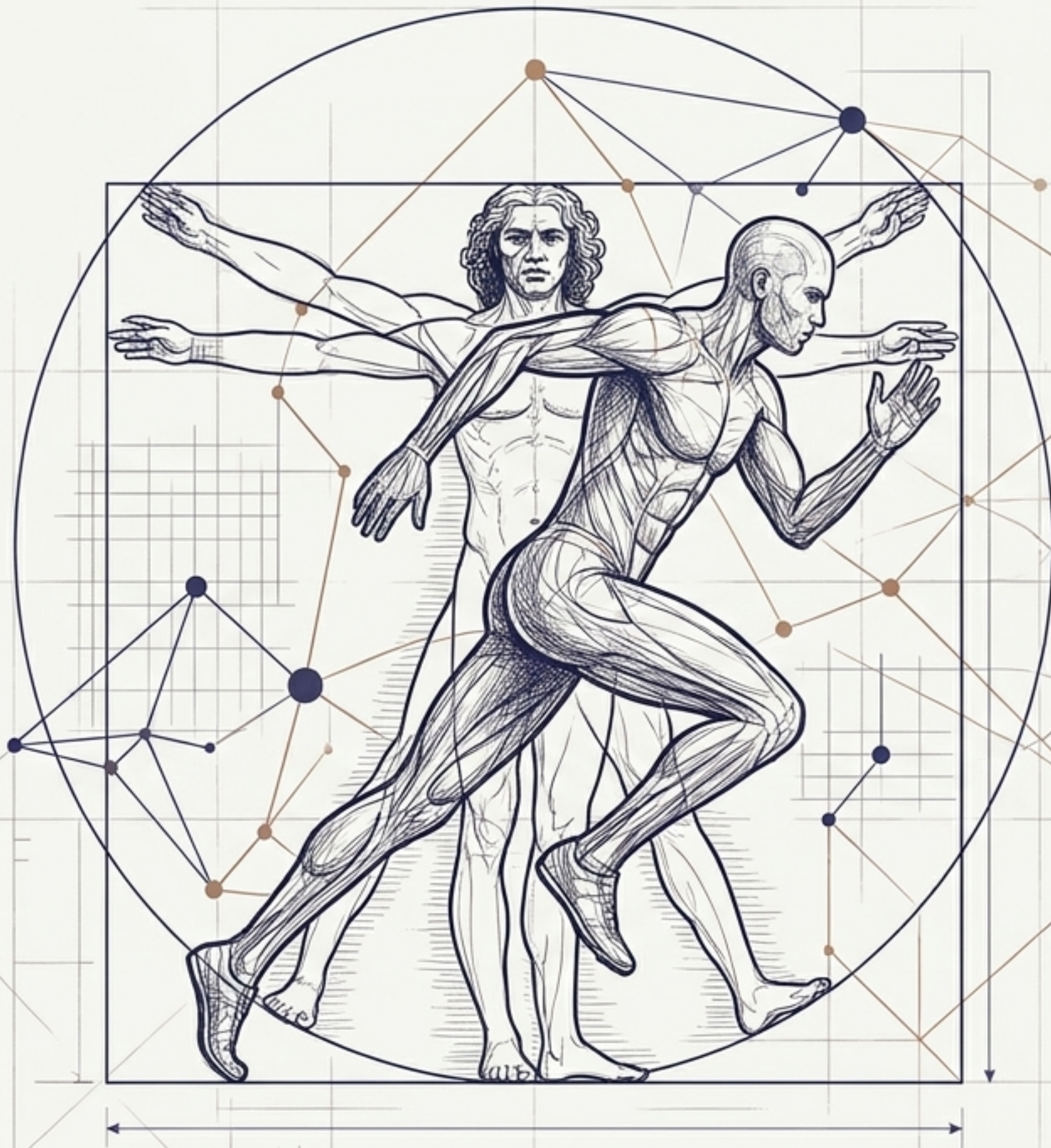


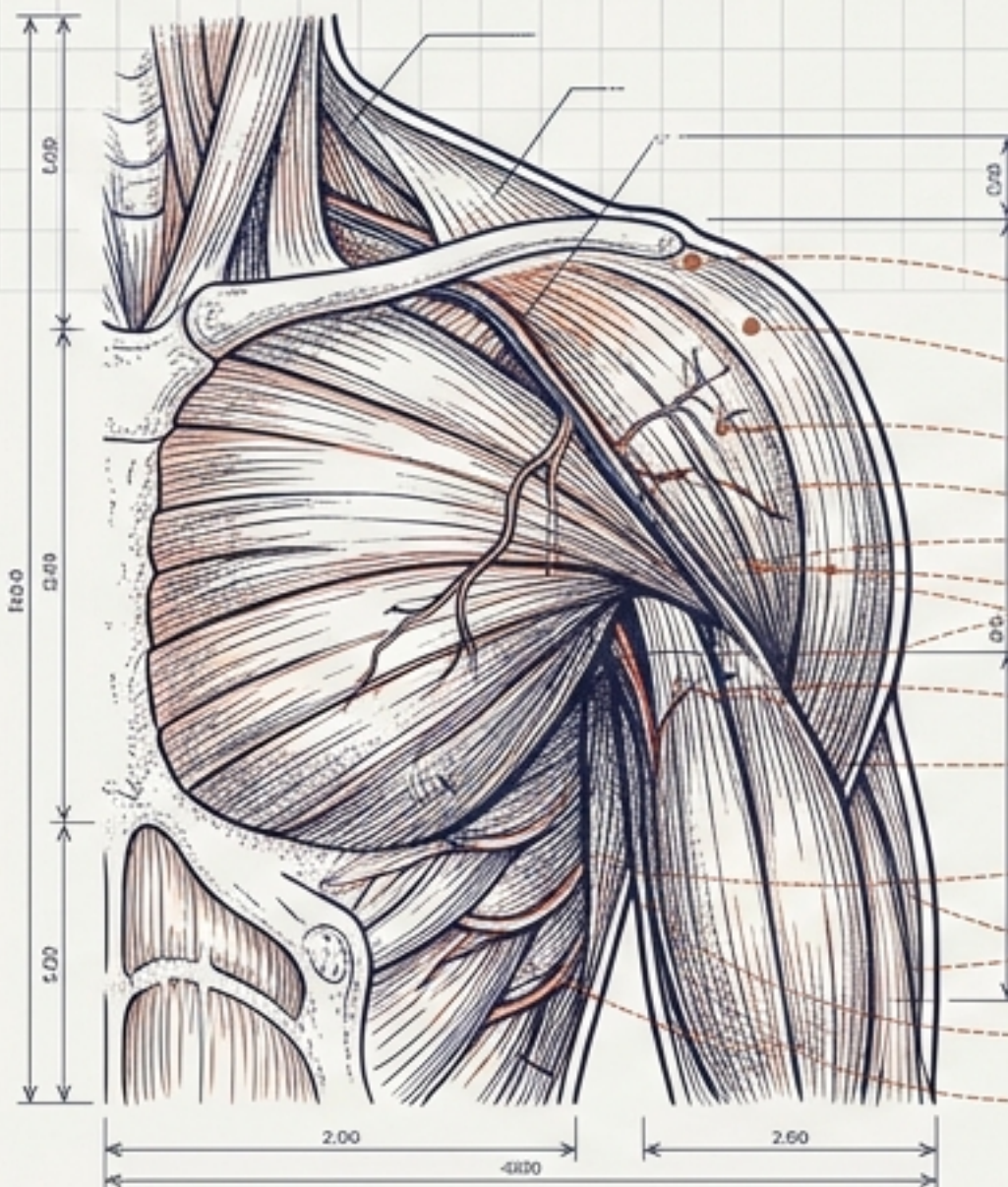


مارسل موس و جامعه‌شناسی ورزش

چگونه فرهنگ و جامعه، کالبد
کالبد انسان را مهندسی می‌کنند؟

بر اساس کتاب دکتر کمال جوانمرد (نشر بزرنگاه)

نقطه کور در جامعه‌شناسی کلاسیک



حلقه مفقوده:

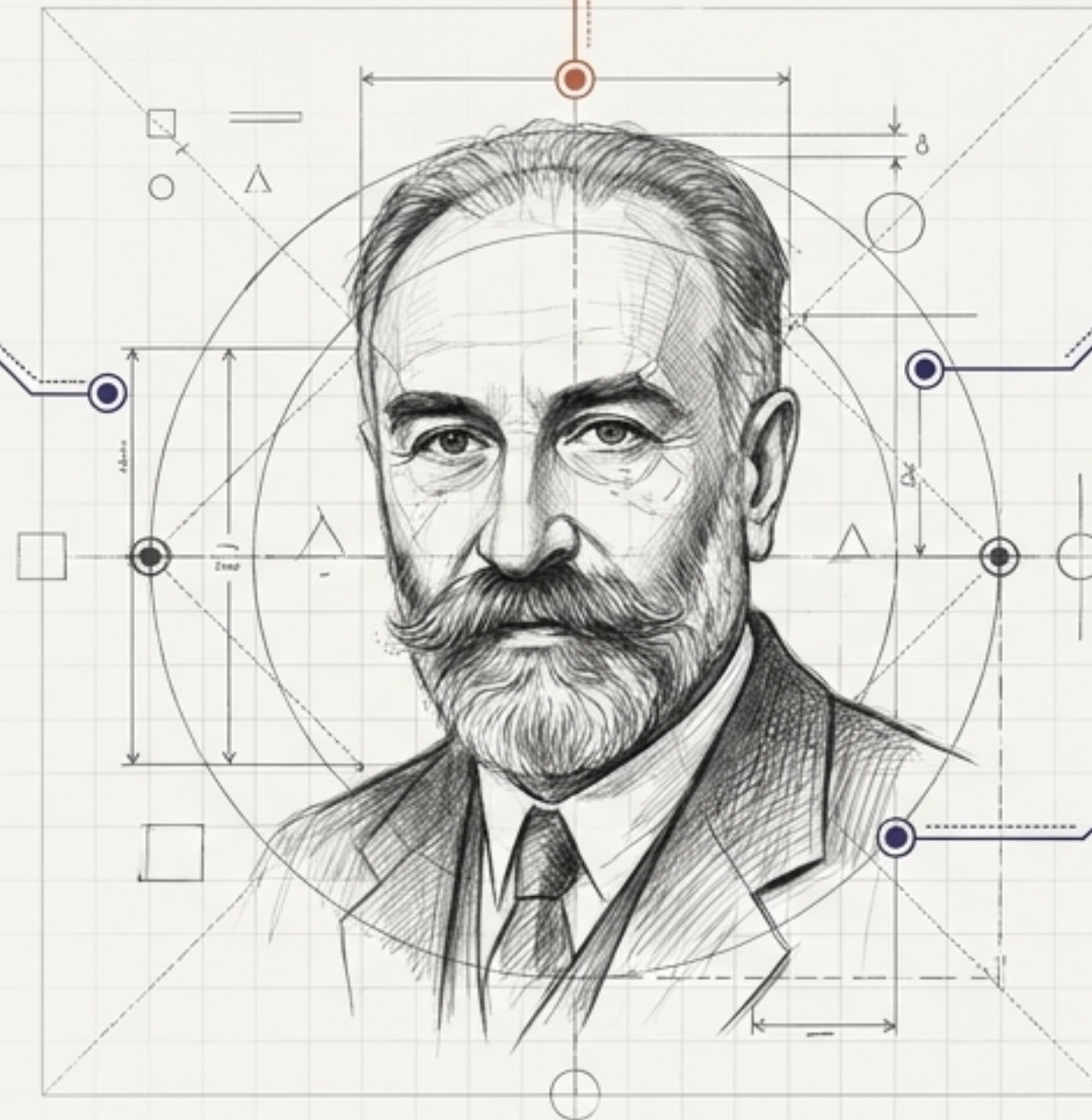
جسم آدمی چگونه از محیط
اجتماعی خود شکل می‌گیرد؟
مارسل موس نشان داد که بدن انسان، خط
مقدم تلاقی فرهنگ و طبیعت است.

● **نگاه زیستی:** در مقابل، زیست‌شناسی
جسم را تنها به عنوان یک ماشین طبیعی،
مجموعه‌ای از عضلات و بازتاب‌های
عصبی، و پیشااجتماعی تحلیل می‌کرد.

● **نگاه نهادی:** جامعه‌شناسی سنتی تنها بر
نهادهای کلان (خانواده، قانون، دین)
تمرکز داشت و انسان را در سطح
ساختارهای انتزاعی می‌دید.

معمار انسان‌شناسی مدرن: مارسل موس (۱۸۷۲-۱۹۵۰)

برادرزاده و وارث فکری امیل دورکیم
(بنیان‌گذار جامعه‌شناسی)



مسلط بر زبان‌های باستانی:
سانسکریت، عبری، یونانی
و لاتین.

تخصص‌های متقاطع:
پژوهش در تاریخ ادیان،
اسطوره‌شناسی، فلسفه و
حقوق کیفری.

انسان‌شناس میدانی در کتابخانه:
تدوین نظریات عظیم بر اساس
داده‌های خام مردم‌نگاران.

پارادوکس موس: «انسان‌شناسی که در اتاق مطالعه‌اش جهان را تحلیل می‌کرد، اما در خیابان‌ها یک کنشگر سیاسی پرشور بود.»

کنشگر سیاسی و سوسیالیست صلح طلب

مدافع حقیقت:

در ماجرای دریفوس (۱۸۹۶)، به عنوان
عنوان یک جمهوری خواه به دفاع از
افسر بی گناه یهودی برخاست و وارد
فضای مبارزات سیاسی شد.

منتقد دیکتاتوری:

با وجود گرایش به مارکسیسم، منتقد
سرسخت انقلاب بلشویکی روسیه بود
و خشونت و ارباب آن ها را از منظر
جامعه شناختی ارزیابی و محکوم کرد.

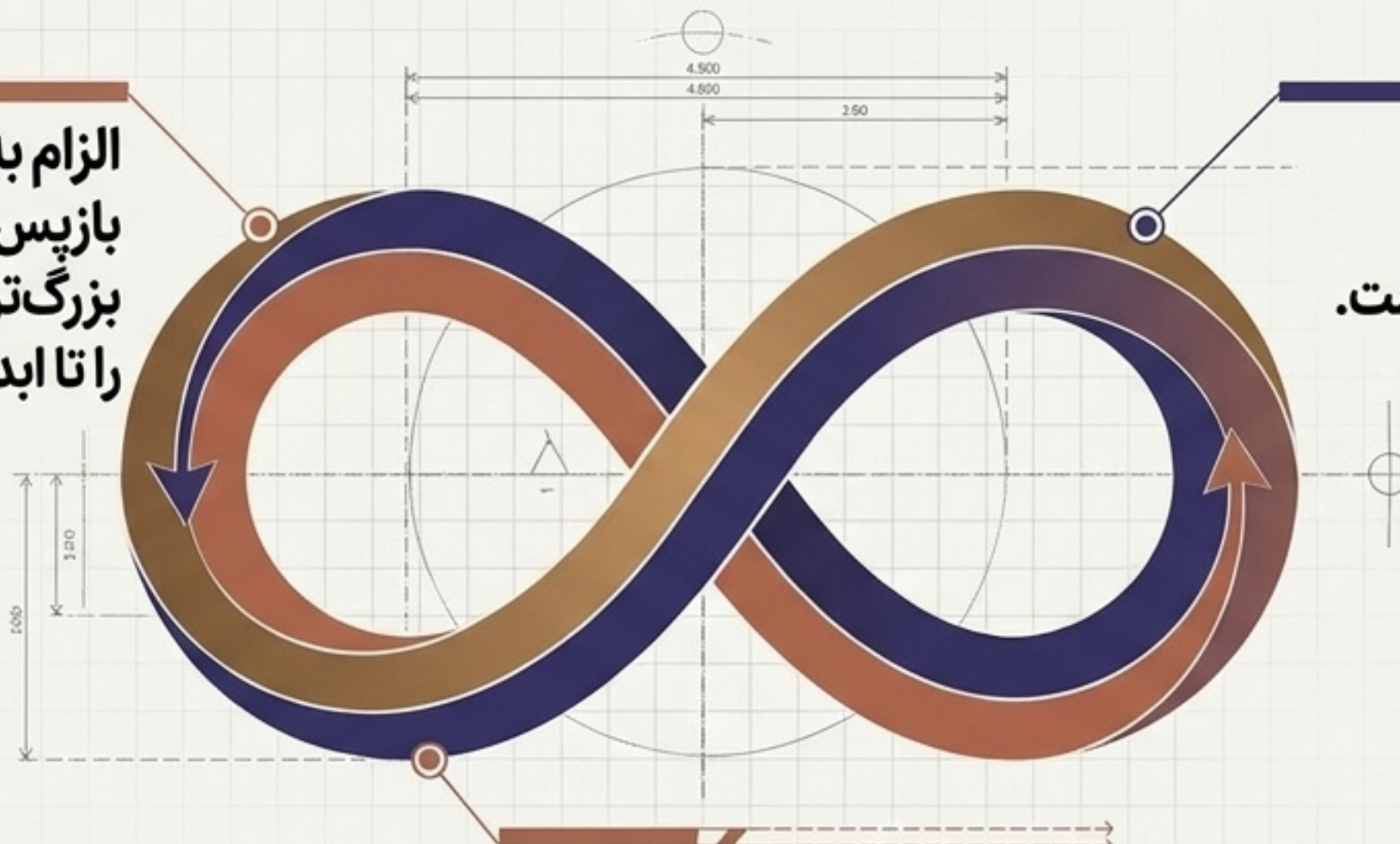
سوسیالیسم تعاونی:

به جای انقلاب خونین، به دموکراسی،
سندیکالیسم، و ایجاد جنبش های
تعاونی و اتحادیه های کارگری برای
رسیدن به صلح پایدار جهانی
اعتقاد داشت.

شالوده اول: رساله پیشکش (The Gift - 1924)

پیش از درک بدن و ورزش، باید مکانیسم پیوند انسان ها را شناخت. مبادله تنها یک کنش اقتصادی نیست، بلکه یک الزام اخلاقی و چسب همبستگی جامعه است.

الزام به جبران (Reciprocate):
باز پس دادن هدیه ای معادل یا
بزرگ تر، که چرخه روابط انسانی
را تا ابد زنده نگه می دارد.

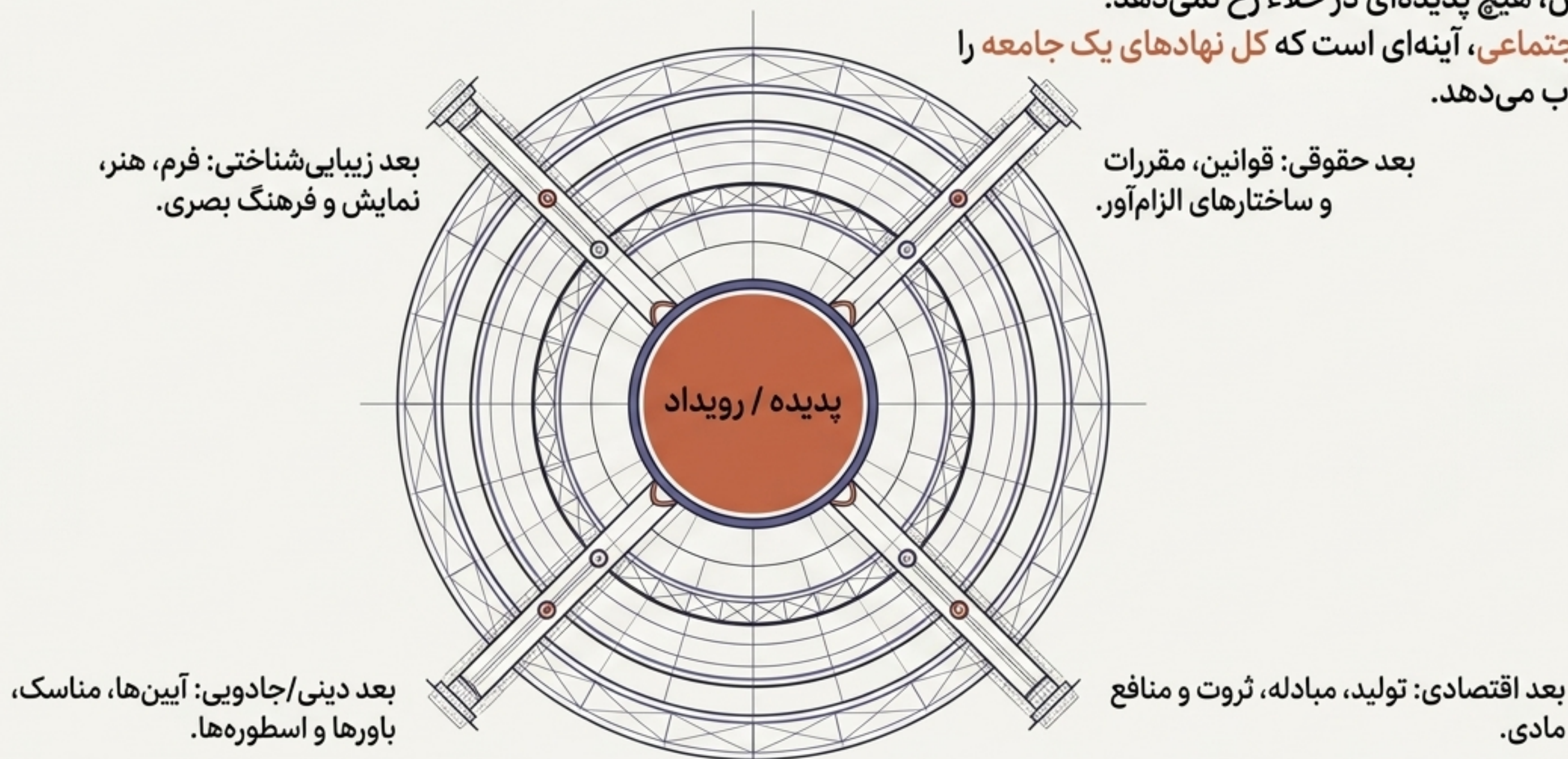


الزام به دادن (Give):
بخشش، نشانه قدرت،
شرافت و توزیع ثروت است.

الزام به گرفتن (Receive):
پذیرش هدیه، به معنای پذیرش پیوند اجتماعی و
احترام به دهنده است (رد آن اعلان جنگ است).

شالوده دوم: واقعیت اجتماعی تام (Total Social Fact)

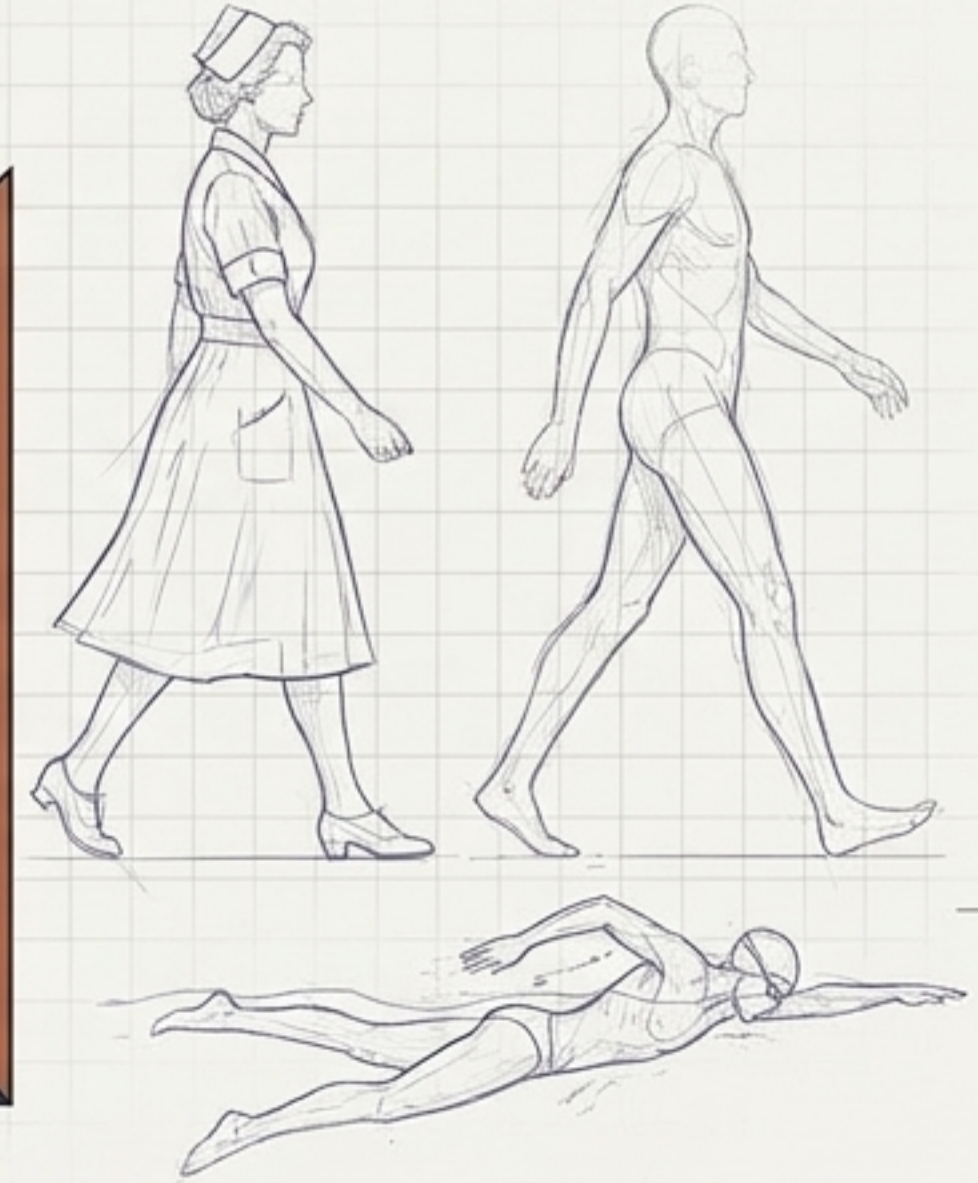
در نگاه موس، هیچ پدیده‌ای در خلاء رخ نمی‌دهد.
هر رویداد اجتماعی، آینه‌ای است که کل نهادهای یک جامعه را
در خود بازتاب می‌دهد.



[یک مسابقه ورزشی یا آیین پوتلاچ، صرفاً یک بازی نیست؛ بلکه نمایشی هم‌زمان از اقتصاد،
اقتصاد، قانون، بلکه نمایشی هم‌زمان از اقتصاد، قانون، دین و هنر یک فرهنگ است.]

تغییر پارادایم: «فنون بدن» (Techniques of the Body - 1934)

«بدن، اولین و طبیعی‌ترین ابزار
ابزار انسان است. هیچ شیوه
طبیعی و غریزی محضی برای
استفاده از بدن وجود ندارد.»

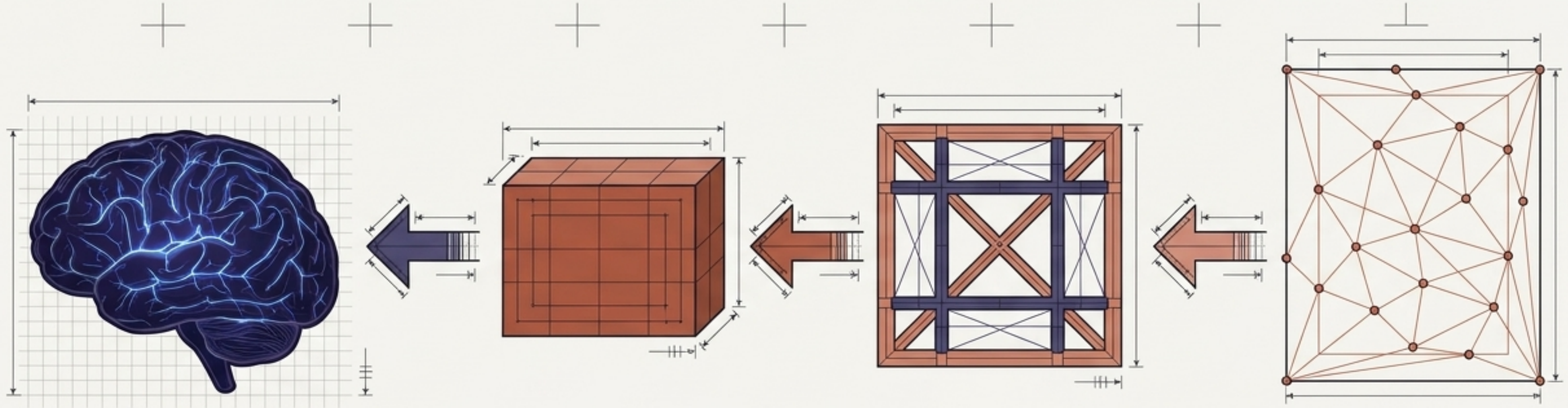


موس با مشاهده تفاوت راه رفتن پرستاران آمریکایی و فرانسوی، یا رژه سربازان انگلیسی و فرانسوی، کشف کرد که پیش‌پاافتاده‌ترین حرکات (خواهیدن، راه رفتن، دویدن) غریزی نیستند؛ بلکه مهارت‌هایی هستند که توسط جامعه آموزش داده شده و در قالب حک می‌شوند.

سه رویکرد به کالبد انسان: ماتریس تشخیصی

جامعه‌شناسی موس	روان‌شناسی	زیست‌شناسی
ساختارهای فرهنگی، تربیت، و انتقال اجتماعی.	نیت فردی، ذهن، و عملکردهای شناختی.	آناتومی، فیزیولوژی و بازتاب‌های عصبی.
حرکت به عنوان یک «فردیت جمعی»؛ تقلید از الگوهای مرجع در جامعه.	حرکت به عنوان یک انتخاب ارادی فردی.	حرکت به عنوان یک انقباض عضلانی غریزی.

آناتومی یک عادت (تولد عادت واره / Habitus)



مشاهده مرجع (Observation)

فرد یک رفتار فیزیکی را در افراد دارای **اتوریته** (پدر، معلم، **قهرمان**) مشاهده می‌کند.

تقلید و آموزش (Imitation & Education)

تلاش آگاهانه و مداوم برای بازتولید آن حرکت تحت نظارت اجتماعی.

تثبیت روانی-اجتماعی (Consolidation)

حرکت با هنجارها و انتظارات جامعه همسو و پذیرفته می‌شود.

مهارت ناخودآگاه (Unconscious Technique)

حرکت از سطح آگاهی خارج شده و به یک بازتاب عصبی-بیولوژیک (عادت) تبدیل می‌شود. جامعه به طبیعت تبدیل می‌گردد.

طبقه‌بندی فنون بدن

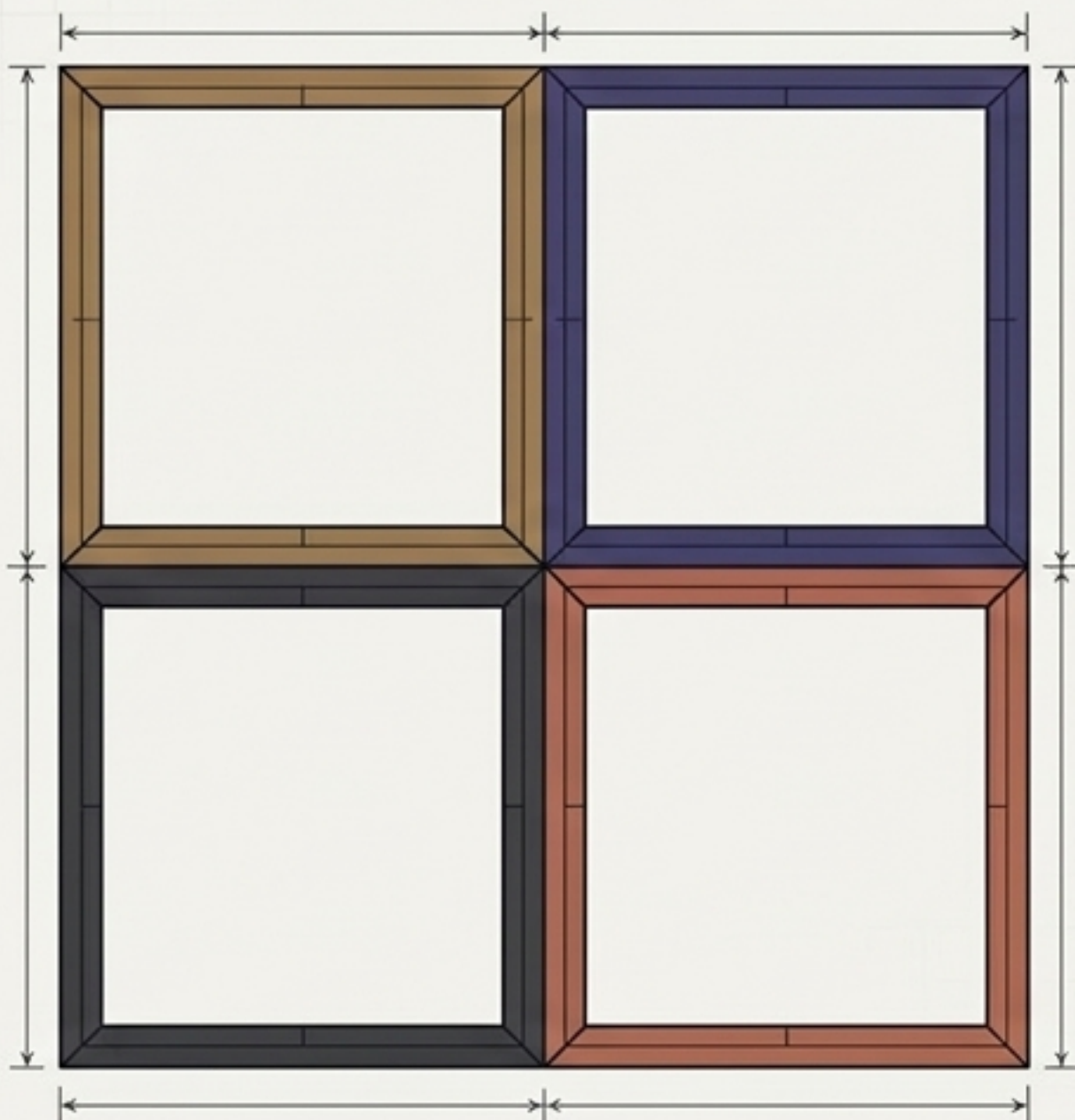
موس حرکات انسان را بر اساس چهار معیار اساسی دسته‌بندی کرد:

جنسیت (Sex)

تفاوت‌های حرکتی میان زنان و مردان.
مثال: شیوه‌های متفاوت مشتم کردن دست یا پرتاب سنگ که بر ساخته از آموزش‌های جنسیتی است، نه صرفاً تفاوت بیولوژیک.

سن (Age)

تکنیک‌هایی که در مراحل مختلف رشد (کودکی، نوجوانی، بزرگسالی) تغییر می‌کنند. مانند تفاوت‌های نشستن یا راه رفتن کودک با بالغ.



عملکرد و کارایی (Efficiency)

تکنیک‌های مرتبط با مهارت‌های حرفه‌ای، نظامی، و ابزاری که برای بقا و تولید بهینه‌سازی شده‌اند.

انتقال (Transmission)

شیوه‌هایی که مهارت‌ها از نسلی به نسل دیگر آموزش داده می‌شوند (آموزش رسمی، تقلید، یا آیین‌های گذار).

ورود به میدان: جامعه‌شناسی ورزش

ورزش در اندیشه موس، کامل‌ترین مصداق «واقعیت اجتماعی تام» و تجلی‌گاه «فنون بدن» است. ورزش صرفاً یک سرگرمی نیست.

قانون: تجلی هنجارها،
نظم و قراردادهای اجتماعی
در قالب داوری و قوانین بازی.



زیبایی‌شناسی:

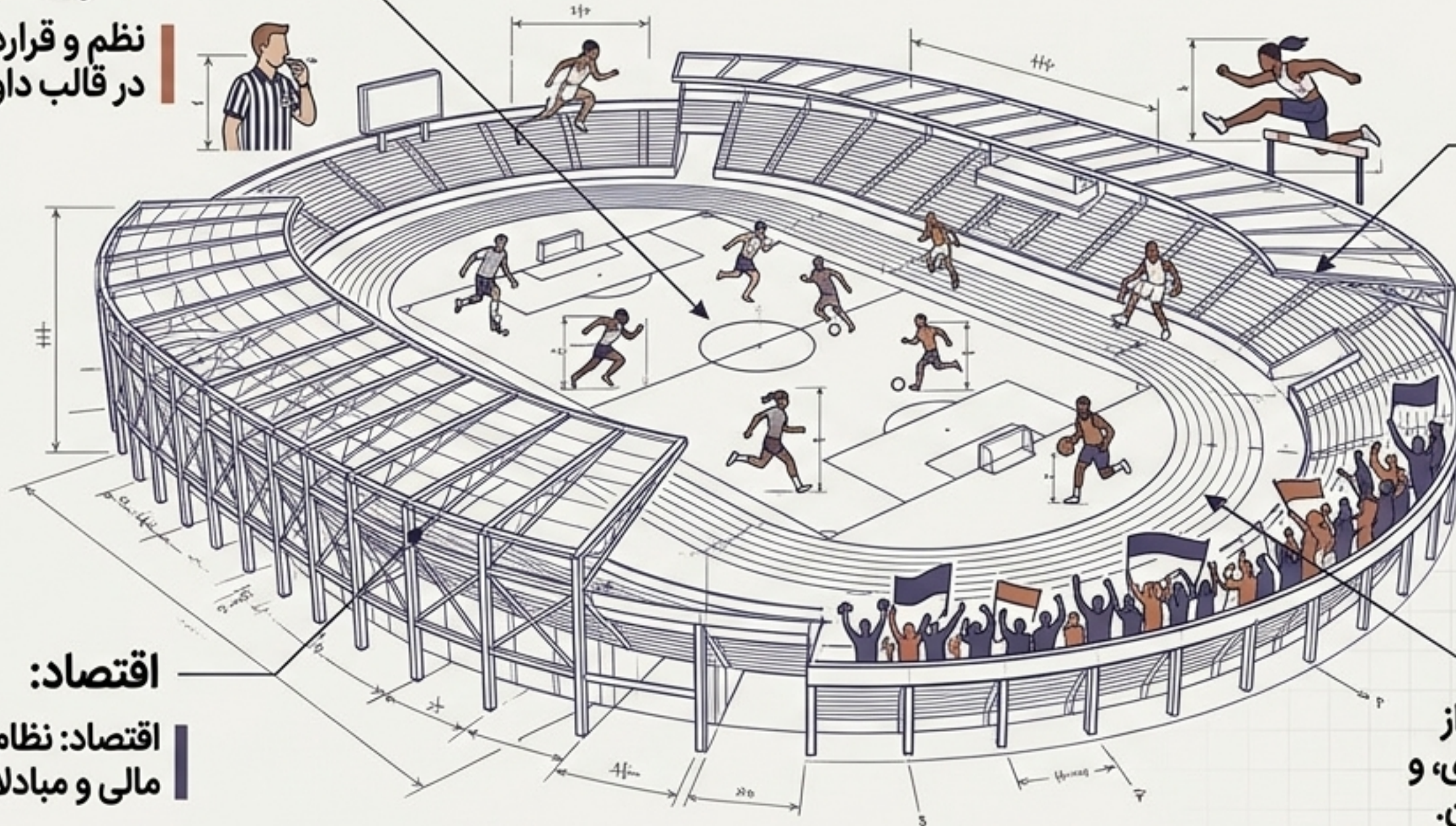
نمایش قدرت،
تناسب اندام، و هارمونی
حرکات به عنوان آرمانی
آرمانی فرهنگی.

دین و جادو:

تکنیک‌هایی: مناسک پیش از
مسابقه، تابوها، خرافات فردی، و
همبستگی مقدس تماشاگران.

اقتصاد:

اقتصاد: نظام پاداش‌ها، حامیان
مالی و مبادلات اقتصادی.



ورزش فراتر از منفعت: ریشه‌های ابتدایی بازی

مدرن: Modern

ورزش مدرن: اغلب با تمرکز بر سود مالی، حرفه‌ای‌گری، و تماشاگرمحوری شناخته می‌شود، اما همچنان بر پایه هیجان جمعی استوار است.



محرك مشترك

ابتدایی (Primitive)

بر اساس مطالعات موس روی بومیان استرالیا، قبایل بازی‌های باستانی هرگز برای منفعت مالی نبودند. هدف آن‌ها:

- تحکیم روابط و همبستگی (همان چرخه پیشکش).
- ارتقاء جایگاه و منزلت اجتماعی.
- ادای دین به خدایان و طبیعت (کارکرد مذهبی).



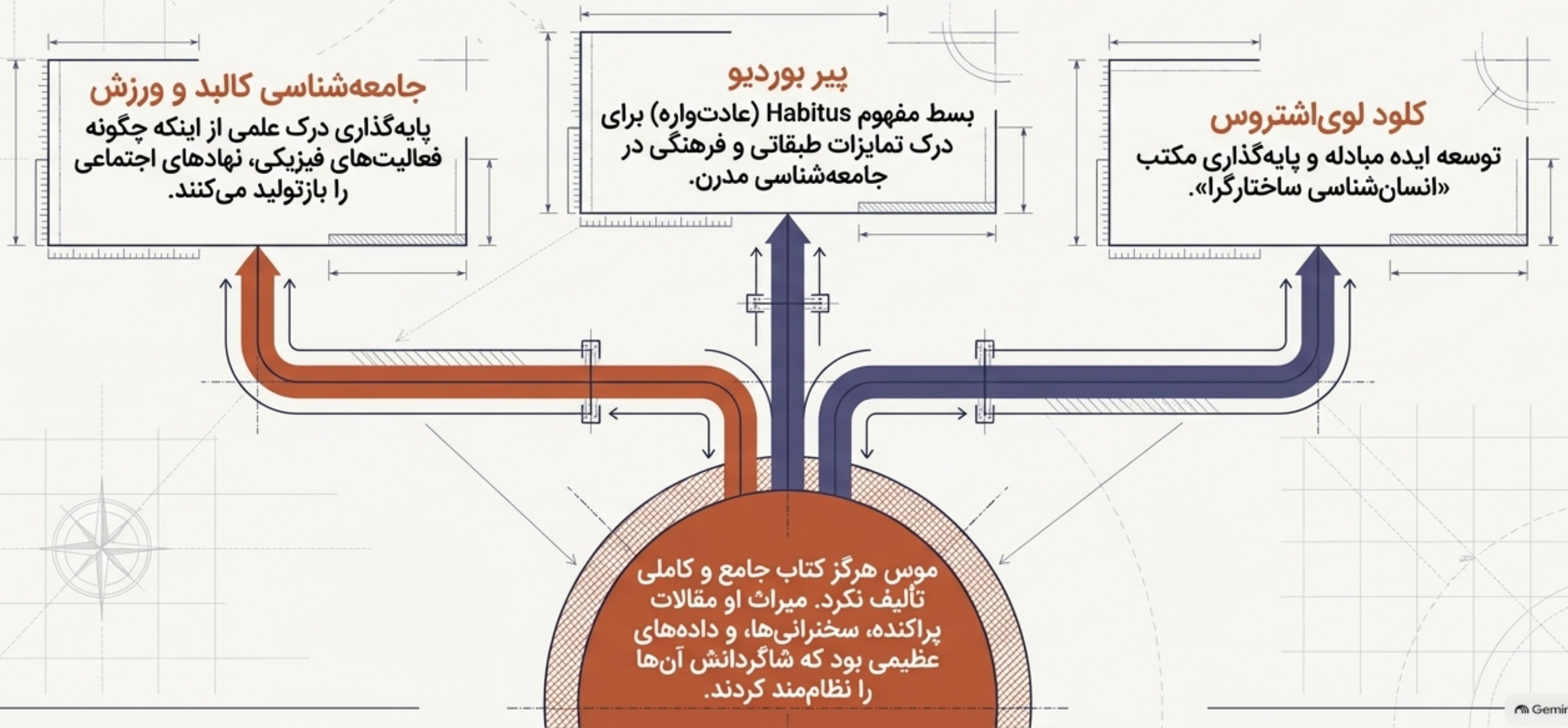
بازی در جوامع ابتدایی:

بر اساس مطالعات موس روی بومیان استرالیا، قبایل زونی و مائوری‌ها، بازی‌های باستانی هرگز برای منفعت مالی نبودند. هدف آن‌ها:

- تحکیم روابط و همبستگی (همان چرخه ارتقاء جایگاه و منزلت اجتماعی).
- ادای دین به خدایان و طبیعت (کارکرد مذهبی).

The Sociological Blueprint: Maus's Legacy

میراث موس: ریشه‌های یک درخت تنومند



نتیجه‌گیری: کالبدِ فرهنگ‌پذیر

کالبد فیزیکی، مرزی نیست که جامعه در آن به پایان برسد؛ بلکه دقیقاً بومی است که جامعه روی آن نقاشی می‌کند. هر قدمی که برمی‌داریم، هر شنایی که می‌کنیم، و هر ضربه‌ای که در یک میدان ورزشی می‌زنیم، در واقع اجرای زنده تاریخ، فرهنگ و ساختارهای پنهان جامعه ماست.

منبع: مارسل موس و جامعه‌شناسی ورزش، نوشته کمال جوانمرد، نشر بزرگراه. تهیه و تنظیم برای مطالعه و اشتراک‌گذاری.

